

مقاله‌ی پژوهشی

همبسته‌های تعارض نقش جنسیتی دانشجویان:

تعارض نقش جنسیتی می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کند

* نادر حاجلو

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
 خدیجه مقدسی
 دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

خلاصه

مقدمه: در تحقیقات مختلف، تعارض نقش جنسیتی به عنوان یکی از همبسته‌های مشکلات روان‌شناختی معرفی شده است. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط تعارض نقش جنسیتی و بهزیستی روان‌شناختی در بین دانشجویان بود.

روش کار: در این مطالعه‌ی توصیفی-همبستگی، ۲۰۰ نفر دانشجوی مرد به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از میان دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس تعارض نقش جنسیتی اونیل و همکاران (۱۹۸۶) و مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (۲۰۰۲) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیره، تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که از روی مولفه‌های موفقیت، قدرت، رقابت می‌توان مولفه‌های پذیرش خود ($P < 0/01$)، خودمختاری و تسلط بر محیط ($P < 0/05$) را پیش‌بینی کرد. هیجان‌پذیری محدود بر روابط مثبت ($P < 0/05$) و رشد فردی ($P < 0/01$) تاثیر معنی‌داری دارد و تعارض بین کار و روابط خانوادگی اثر معنی‌داری بر روابط مثبت ($P < 0/05$)، تسلط بر محیط ($P < 0/01$) و زندگی هدف‌مند ($P < 0/01$) دارد. هم‌چنین تعارض نقش جنسیتی ۴۲ درصد از واریانس بهزیستی روانی را در میان دانشجویان تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این تحقیق، با داشتن اطلاعاتی در مورد وضعیت تعارض نقش جنسیتی می‌توان در مورد بهزیستی روان‌شناختی افراد پیش‌بینی‌هایی به عمل آورد. به طوری که افراد با تعارض کمتری در نقش جنسیتی برخوردارند بهزیستی روان‌شناختی بهتری دارند.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی، تعارض، جنسیت، دانشجویان، روان‌شناختی

*مؤلف مسئول:

دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

hajloo53@uma.ac.ir

تاریخ وصول: ۹۳/۱۰/۲۴

تاریخ تایید: ۹۴/۰۵/۰۴

پی‌نوشت:

این پژوهش پس از تایید کمیته‌ی پژوهشی دانشگاه محقق اردبیلی و با حمایت مالی آن دانشگاه انجام شده و موضوع آن با منافع شخصی نویسندگان ارتباطی نداشته است. ضمن تشکر از معاونت یاد شده، از معاونت آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی و تمام کارشناسان آموزشی دانشکده‌های آن دانشگاه نیز به خاطر همکاری در اجرای این پژوهش، قدردانی به عمل می‌آید.

مقدمه

خود را در ناراحتی از محبت عاطفی بین مردان نشان می‌دهد که ممکن است به عنوان رفتار همجنس‌گرا برداشت شود.

ریف^۳ (۲۲) با تاکید بر این که سلامت مثبت چیزی فراتر از فقدان بیماری است، اشاره کرد که بهزیستی روان‌شناختی به آن چه فرد برای بهزیستی به آن نیاز دارد اشاره دارد. افراد با احساس بهزیستی بالا به طور عمده، هیجانات مثبت بیشتری را تجربه و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند. از سوی دیگر افراد با بهزیستی پایین، حوادث و موقعیت‌های زندگی‌شان را نامطلوب ارزیابی و هیجانات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند (۲۳). در پژوهشی ایرنا، ایگال، مارک^۴ (۲۴) نشان دادند که افراد دارای بهزیستی روان‌شناختی بالا از زندگی خانوادگی خود رضایت دارند، روابط خوبی برقرار نموده و دوستان زیادی دارند. در ضمن بهزیستی روانی با انگیزه‌های درونی ارتباط دارد و سطوح بالاتر شادکامی موجب ارتقای مهارت‌های اجتماعی شده و از افسردگی جلوگیری می‌کند. در همین راستا نتایج تحقیق لی^۵ (۲۵) تحت عنوان الکل و غلبه بر استرس و تاثیر حمایت اجتماعی بر سلامتی و بهزیستی نشان داد که بین حمایت اجتماعی از سوی دوستان و خانواده در ابعاد عملی، عاطفی و اطلاعاتی و متغیرهای افسردگی، مصرف الکل و سلامت جسمی و روانی، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. یاماوکا^۶ (۲۶) طی پژوهشی نشان داد افرادی که در زندگی خود اجتماعی بوده و از دوستان بیشتری برخوردارند از بهزیستی روانی بالاتری نیز برخوردارند. در پژوهشی نیز ساراسینو^۷ (۲۷) نشان داد افرادی که در زندگی خود اجتماعی بوده و شبکه‌های اجتماعی بیشتری دارند، از رضایت از زندگی و بهزیستی روانی بالاتری نیز برخوردارند. وود^۸ و همکاران (۲۸) نیز بین روان‌رنجورخویی با تمام ابعاد بهزیستی روان-شناختی، رابطه‌ی منفی را گزارش نمودند.

گفتنی است که یکی از اهداف پژوهش‌های روان‌شناختی شناسایی عوامل مخل زندگی سالم فرد بوده و در این راستا متغیرهای مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی را کشف و در جهت حذف اثرات نامطلوب عوامل مخرب بر این بهزیستی راه‌کارهایی را نشان می‌دهند. مرور پیشینه-ی فوق نشان می‌دهد که تعارض نقش جنسیتی با بسیاری از مسایل روان‌شناختی مرتبط است و می‌تواند وضعیت روان‌شناختی فرد را تحت تاثیر خود قرار دهد. از طرف دیگر معلوم شده است که بسیاری از مسایل اجتماعی، شخصیتی و روان‌شناختی با بهزیستی روان‌شناختی فرد، ارتباط

افراد در سن جوانی، اجتماعی شده و به هنجارها و ارزش‌های خاصی درباره‌ی جنسیت خود پای‌بند می‌شوند. این فرایند به عنوان اجتماعی شدن نقش جنسیتی شناخته شده و به عنوان فرایندی که کودکان و بزرگسالان نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با زنانگی و مردانگی و یا هر دو را کسب کرده و درونی می‌سازند تعریف شده است (۱). تلاش برای پای‌بندی به هنجارهای اجتماعی اغلب به نتایج منفی منجر می‌شود که عواقب جسمانی و روانی برای مردان دارد و می‌تواند به بسیاری از جنبه‌های زندگی از جمله خانواده، کار و روابط صمیمی انتقال یابد (۲). انیل^۱ (۱۱) این پدیده را به عنوان تعارض نقش جنسیتی نامید که به عنوان یک وضعیت روان‌شناختی که در آن نقش‌های جنسیتی پیامد منفی برای شخص یا دیگران دارند تعریف شده است. تعارض نقش جنسیتی زمانی رخ می‌دهد که مردان در سازش با هنجارهای نقش جنسیتی با شکست روبه‌رو می‌شوند، یا وقتی که مردان یک ناپوستگی بین خود واقعی و خود آرمانی را بر اساس هنجارهای نقش جنسیتی تجربه می‌کنند و یا وقتی که تصورات قالبی جنسیتی منجر به محدودیت یا کاهش ارزش خود یا دیگران می‌شود (۳-۵).

انیل و همکارانش (۶)، چهار عامل مقیاس تعارض نقش جنسیتی^۲ (GRCS) را به این صورت متمایز ساختند: موفقیت، قدرت و رقابت، هیجان‌پذیری محدود، رابطه‌ی عاطفی محدود با سایر مردان و تعارض میان کار و روابط خانوادگی. پژوهش‌های زیادی در کشورهای گوناگون، به ویژه در ایالات متحده‌ی آمریکا نشان داده‌اند که تعارض نقش جنسیتی با طیف وسیعی از متغیرهای بالینی مانند اضطراب و افسردگی (۷،۸)، اجبار جنسی (۹)، عزت نفس پایین (۱۰)، پارانوئیا و روان‌پریش‌خویی (۱۱)، مشکلات میان فردی مانند خشونت خانوادگی (۱۲)، حساسیت بین فردی، نداشتن راحتی اجتماعی، خصومت (۱۳)، پرخاشگری جنسی نسبت به زنان (۱۴)، نگرش نسبت به جستجوی کمک روانی (۱۵)، استفاده از الکل (۱۶)، تصمیم‌گیری حرفه‌ای (۱۷)، و پریشانی روانی (۱۳، ۱۸) رابطه‌ی معنی‌داری دارد. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تعارض نقش جنسیتی با نگرش‌های منفی و یا دوسوگرایی نسبت به مشاوره و درخواست کمک روان‌شناختی (۱۹، ۲۰) رابطه‌ی معنی‌دار دارد. سطوح بالاتر از GRCS نیز ممکن است مردان را از جستجوی خدمات روانی تخصصی باز دارد (۲۱) که در نتیجه‌ی آن مشکل پریشانی‌های روانی تشدید می‌شود. چندین مطالعه ارتباط مثبت بین GRC و افسردگی روان‌شناختی و بر عکس ارتباط بین GRC و جستجوی کمک روان‌شناختی را نشان دادند. تعارض نقش جنسیتی اغلب

^۳Ryff^۴Irina, Igal and Mark^۵Lee^۶Yamaoka^۷Sarracino^۸Wood^۱O'Neil^۲Gender Role Conflict Scale

به چهار زیرمقیاس تقسیم می‌شود (هیجان‌پذیری محدود، موفقیت، قدرت، رقابت، رابطه‌ی عاطفی محدود با سایر مردان و تعارض کار و روابط خانوادگی). هر عامل با ۴ آیتم اندازه‌گیری می‌شود و پاسخگویان نظر خود در مورد هر آیتم را در یک مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای (کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۶) درجه‌بندی می‌کنند. وستر و همکاران در تحلیل عاملی تاییدی ساختار چهار عاملی فرم کوتاه مقیاس تعارض نقش جنسی را نشان داده و کفایت آن را در سنجش تعارض نقش جنسی تایید کردند ($P < 0.001$ و $\chi^2 = 430.83$ ، $RMSEA = 0.057$) (۲۹). در تحقیق حاضر پایایی مقیاس مذکور با روش ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد هیجان‌پذیری محدود، موفقیت، قدرت، رقابت، رابطه‌ی عاطفی محدود با سایر مردان و تعارض کار و روابط خانوادگی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۴، ۰/۸۲ و ۰/۷۹ به دست آمد.

ب- پرسش‌نامه‌ی بهزیستی روان‌شناختی ریف: این پرسش‌نامه توسط ریف در سال ۱۹۸۹ ساخته شده و در سال ۲۰۰۲ مورد تجدید نظر قرار گرفته است. پرسش‌نامه‌ی مذکور مولفه‌های خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدف‌مندی در زندگی و پذیرش خود را می‌سنجد. مجموع این شش عامل به صورت کلی بهزیستی روان‌شناختی را نشان می‌دهد. این آزمون نوعی خودسنجی است که در یک مقیاس شش‌درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم (کاملاً مخالف=۱، تا حدی مخالف=۲، کمی مخالف=۳، کمی موافق=۴، تا حدی موافق=۵، کاملاً موافق=۶) نمره‌گذاری می‌شود. فرم اصلی از ۱۲۰ سؤال تشکیل شده ولی در مطالعات بعدی فرم‌های کوتاه‌تر ۸۴، ۵۴، ۱۸ و ۱۴ سؤالی و حتی کمتر نیز تهیه شده است (۲۲). روایی و پایایی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی در پژوهش‌های متعدد از جمله در جمعیت دانشجویی در ایران، مناسب گزارش گردیده است (۳۰). در این تحقیق از فرم ۱۴ سؤالی استفاده شده است.

نتایج

در این مطالعه، تعداد ۲۰۰ دانشجو با حداقل و حداکثر سن ۱۸ و ۲۴ سال و میانگین سنی ۲۲/۲۵ سال مورد بررسی قرار گرفتند. ۱۷۶ نفر از ایشان (۹۲/۶٪) مجرد و ۱۴ نفر (۷/۴٪) متاهل و همگی در رشته‌های کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. در جدول ۱ داده‌های به دست آمده به صورت جدول خلاصه، دسته‌بندی و توصیف شده است. بر اساس اطلاعاتی که شاخص‌های کجی و کشیدگی به دست می‌دهد توزیع نمرات تمام متغیرهای مورد مطالعه نرمال می‌باشد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی مولفه‌های تعارض نقش جنسی و

بهزیستی روانی در دانشجویان مرد

متغیر حداقل حداکثر میانگین انحراف معیار کجی چولگی

قابل ملاحظه‌ای دارند. هر چند از ترکیب نتایج تحقیقات مختلف می‌توان چنین استنباط کرد که تعارض نقش جنسیتی نیز می‌تواند ارتباط منفی با بهزیستی روان‌شناختی داشته باشد ولی این ادعا تا کنون مورد آزمون علمی قرار نگرفته است لذا هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی ارتباط تعارض نقش جنسیتی با بهزیستی روان‌شناختی است.

روش کار

جامعه‌ی آماری این تحقیق توصیفی همبستگی شامل تمام دانشجویان مرد مشغول به تحصیل دانشگاه محقق اردبیلی در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ بودند. با توجه به این که در تحقیقات همبستگی به خصوص در نوع چندمتغیره، حجم نمونه باید نسبتاً بالا باشد (به طور مطلوب ۲۰۰ نفر)، لذا ۲۰۰ نفر از جامعه‌ی آماری مذکور انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. روش نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. به طوری که از بین شش دانشکده‌ی دانشگاه محقق اردبیلی، سه دانشکده به طور تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر یک از این سه دانشکده‌ی منتخب، سه گروه آموزشی و از هر گروه آموزشی منتخب، دو ورودی (در مجموع ۱۸ ورودی) به طور تصادفی انتخاب و تمام دانشجویان مرد ورودی‌های منتخب به تعداد ۲۰۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند. تمام افراد منتخب در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند و در دامنه‌ی سنی ۱۸-۲۴ سال قرار داشتند. ملاک‌های ورود در تحقیق عبارت بودند از: جنسیت مذکر، دامنه‌ی سنی ۱۸-۲۴ سال و دانشجو بودن. ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از ابتلا به هر نوع اختلال روان‌شناختی، بیماری جسمانی عمده و سوء مصرف مواد. تمام افراد مورد مطالعه با رضایت شخصی در تحقیق حاضر شرکت کردند و ضمن تعهد پژوهشگر مبنی بر محرمانه نگهداشتن اطلاعات شرکت‌کنندگان، در قبال مشارکت آن‌ها در تحقیق حاضر، یک دوره‌ی آموزشی رایگان در خصوص کاربرد نرم‌افزار SPSS در تحلیل‌های آماری برگزار گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از فرم کوتاه مقیاس تعارض نقش جنسی و پرسش‌نامه‌ی بهزیستی روان‌شناختی ریف استفاده شد.

ابزار پژوهش

الف- فرم کوتاه مقیاس تعارض نقش جنسی (GRCS): نسخه‌ی اصلی مقیاس تعارض نقش جنسی که توسط اونیل، هلمز، گابل، دیوید و رایتزمن^۱ (۶) ارایه شده است، واکنش‌های مردان به انتظارات نقش جنسی هماهنگ و ناهماهنگ را می‌سنجد. این مقیاس که از ۳۷ آیتم تشکیل شده است و از شاخص‌های روان‌سنجی بسیار مطلوبی برخوردار است، توسط وستر، ووگل، اونیل و دانفورس^۲ (۲۹) به ۱۶ آیتم کاهش یافته و

^۱O'Neil, Helms, Gable, David and Wrightsman

^۲Wester, Vogel, O'Neil and Danforth

۰/۰۰	۰/۸۸	۰/۰۲	خودمختاری		
۰/۰۰	۰/۷۵	۰/۱۰	تسلط بر محیط		
۰/۰۵	۰/۰۱	۶/۵۲	رشد فردی		
۰/۰۰	۰/۶۲	۰/۲۵	زندگی هدف‌مند		
۰/۰۶	۰/۰۰	۱۱/۳۵	پذیرش خود	موفقیت، قدرت، رقابت	
۰/۰۰	۰/۵۴	۰/۳۶	روابط مثبت		
۰/۰۳	۰/۰۲	۵/۶۵	خودمختاری		
۰/۰۳	۰/۰۳	۴/۹۴	تسلط بر محیط		
۰/۰۰	۰/۶۳	۰/۲۳	رشد فردی		
۰/۰۱	۰/۳۷	۰/۸۱	زندگی هدف‌مند		
۰/۰۱	۰/۲۸	۱/۱۳	پذیرش خود	تعارض کار و روابط خانوادگی	
۰/۰۵	۰/۰۳	۳/۶۲	روابط مثبت		
۰/۰۰	۰/۴۸	۰/۴۹	خودمختاری		
۰/۰۹	۰/۰۰	۱۰/۹۹	تسلط بر محیط		
۰/۰۰	۰/۵۶	۰/۳۳	رشد فردی		
۰/۰۳	۰/۰۴	۳/۴۰	زندگی هدف‌مند		

* ۱۸۵ و ۱ = df_s

نتایج آزمون‌های تک‌متغیره در جدول ۳ نشان می‌دهد که اثر مولفه‌ی هیجان‌پذیری محدود بر دو مولفه‌ی روابط مثبت ($P < 0/05$) و رشد فردی ($P < 0/01$) معنی‌دار است ولی بر سایر مولفه‌های بهزیستی روانی اثر معنی‌دار ندارد. هم‌چنین اثر موفقیت، قدرت و رقابت بر سه مولفه‌ی پذیرش خود ($P < 0/01$)، خودمختاری ($P < 0/05$) و تسلط بر محیط ($P < 0/05$) معنی‌دار بود. در نهایت، اثر تعارض کار و روابط خانوادگی بر سه مولفه‌ی روابط مثبت ($P < 0/05$)، تسلط بر محیط ($P < 0/01$) و زندگی هدف‌مند ($P < 0/05$) معنی‌دار بود.

برای پیش‌بینی نمره‌ی کلی بهزیستی روانی از روی نمره‌ی کلی تعارض نقش جنسی نیز از رگرسیون ساده استفاده شده و مشخص گردید که مدل پیش‌بینی بهزیستی روانی از روی تعارض نقش جنسی معنی‌دار است ($P < 0/01$ و $F_{(1, 188)} = 14/31$). مقدار β نیز نشان داد که تعارض نقش جنسی به میزان ۰/۴۲ در پیش‌بینی بهزیستی روانی سهم دارد.

بحث

هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی رابطه‌ی تعارض نقش جنسی و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان بود. نتایج نشان داد که از روی مولفه‌های هیجان‌پذیری محدود، موفقیت، قدرت، رقابت، تعارض کار و روابط خانوادگی می‌توان ترکیب مولفه‌های بهزیستی روانی را به خوبی پیش‌بینی کرد. این نتیجه با یافته‌های قبلی (۷۸، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۶، ۲۸) هم‌خوانی دارد. این پژوهشگران نشان دادند که تعارض نقش جنسی با

هیجان‌پذیری محدود	۴	۲۴	۱۳/۲۳	۴/۷۵	۰/۰۰۲	-۰/۷۳
موفقیت، قدرت، رقابت	۴	۲۴	۱۵/۵۴	۵/۱۹	-۰/۴۶	-۰/۵۱
رابطه‌ی عاطفی محدود با دیگران	۴	۲۴	۱۲/۵۷	۴/۸۵	۰/۰۹	۰/۵۲
تعارض کار و روابط خانوادگی	۴	۲۴	۱۳/۸۰	۴/۸۶	۰/۱۰	۰/۵۸
نمره‌ی کل تعارض نقش جنسی	۲۲	۸۶	۵۵/۱۴	۱۱/۸۱	-۰/۱۶	-۰/۱۶
پذیرش خود	۳	۱۸	۱۲/۵۴	۳/۰۰	-۰/۴۴	-۰/۱۷
روابط مثبت	۵	۱۸	۱۲/۵۷	۲/۹۸	-۰/۰۹	-۰/۶۲
خودمختاری	۳	۱۸	۱۲/۰۷	۲/۹۱	-۰/۴۰	-۰/۳۴
تسلط بر محیط	۶	۱۸	۱۳/۰۱	۲/۸۴	-۰/۳۱	-۰/۳۰
رشد فردی	۷	۱۸	۱۳/۲۵	۲/۷۶	-۰/۰۵	-۰/۸۵
زندگی هدف‌مند	۴	۱۸	۱۲/۵۰	۲/۶۶	-۰/۳۵	۰/۲۲
نمره‌ی کل بهزیستی روانی	۳۶	۹۵	۷۰/۹۸	۱۱/۱۲	-۰/۲۳	-۰/۰۷

برای پیش‌بینی مولفه‌های بهزیستی روانی از روی مولفه‌های تعارض نقش جنسی از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده گردید. خلاصه این تحلیل در جدول ۲ آورده شده است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که از روی مولفه‌های هیجان‌پذیری محدود، موفقیت، قدرت، رقابت و تعارض کار و روابط خانوادگی می‌توان ترکیب مولفه‌های بهزیستی روانی را به خوبی پیش‌بینی کرد ($P < 0/01$) از بین مولفه‌های تعارض نقش جنسی، فقط مولفه‌ی رابطه عاطفی محدود با سایر مردان نتوانست به طور معنی‌داری ترکیب مولفه‌های بهزیستی روانی را پیش‌بینی کند.

جدول ۲- نتایج رگرسیون چندمتغیره برای پیش‌بینی مولفه‌های

بهزیستی روانی از روی مولفه‌های تعارض نقش جنسی

مولفه‌های تعارض نقش جنسی	مقدار λ	F*	معنی‌داری	η^2
هیجان‌پذیری محدود	۰/۹۲	۲/۳۲	۰/۰۳	۰/۰۷
موفقیت، قدرت، رقابت	۰/۹۱	۲/۹۴	۰/۰۱	۰/۰۹
رابطه‌ی عاطفی محدود با سایر مردان	۰/۹۷	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۰۲
تعارض کار و روابط خانوادگی	۰/۹۱	۲/۸۰	۰/۰۱	۰/۰۹

* ۱۸۰ و ۶ = df_s

برای بررسی معنی‌داری اثر هر یک از مولفه‌های تعارض نقش جنسی بر تک تک مولفه‌های بهزیستی روانی، نتایج تحلیل‌های تک‌متغیره در متن رگرسیون چندمتغیره مورد توجه قرار گرفت. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون‌های تک‌متغیره برای پیش‌بینی مولفه‌های

بهزیستی روانی از روی مولفه‌های تعارض نقش جنسی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	F*	معنی‌داری	η^2
هیجان‌پذیری محدود	پذیرش خود	۰/۰۶	۰/۸۱	۰/۰۰
	روابط مثبت	۲/۹۸	۰/۰۴	۰/۰۳

دارد. ابهام، گرانباری و تعارض نقش به عنوان مهم‌ترین عوامل تنش‌زا با اعمال فشار به افراد باعث کاهش سطح انرژی کاری آن‌ها شده و از این طریق زمینه را برای تضعیف عملکرد، وظیفه، تمایلات اخلاقی و رفتارهای مدنی سازمانی فراهم می‌سازد. از طرف دیگر کاهش سطح انرژی به طور جدی بستر را برای تجربه‌ی عدم تعادل شناختی و عاطفی (نظیر ناتوانی در تصمیم‌گیری صحیح، پردازش واقع‌بینانه‌ی شرایط، تجربه‌ی حالات خشم و درماندگی) افراد فراهم نموده و باعث تمایلات آشکار و نهان به ترک خدمت و رفتارهای انحرافی می‌شود و در نتیجه سلامت و بهزیستی افراد را خدشه‌دار می‌سازد.

پژوهش حاضر محدودیت‌هایی نیز داشت که در تعمیم و تفسیر نتایج باید آن‌ها را مورد توجه قرار داد. از آن جا که روش تحقیق حاضر توصیفی-همبستگی بود نمی‌توان روابط به دست آمده از آن را علت و معلولی قلمداد کرد. علاوه بر محدودیت روش شناختی مذکور، جامعه‌ی دانشجویان نیز وسعت تعمیم نتایج به سایر جوامع را محدود می‌سازد. اگر خطاهای خاص آزمون‌های خودسنجی را به محدودیت‌های فوق اضافه کنیم تفسیر نتایج تحقیق حاضر دقت و احتیاط زیادی را طلب خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که از روی مولفه‌های هیجان‌پذیری محدود، موفقیت، قدرت، رقابت، تعارض کار و روابط خانوادگی می‌توان ترکیب مولفه‌های بهزیستی روانی را به خوبی پیش‌بینی کرد. هم‌چنین معلوم شد که موفقیت، قدرت و رقابت بر سه مولفه‌ی پذیرش خودمختاری و تسلط بر محیط، اثر معنی‌داری دارد. نتایج این تحقیق اثر تعارض کار و روابط خانوادگی بر سه مولفه‌ی روابط مثبت، تسلط بر محیط و زندگی هدف‌مند را نیز قابل توجه نشان داد و ادبیات پژوهشی در زمینه‌ی تعارض نقش جنسیتی و بهزیستی روان‌شناختی را تقویت نمود. با توجه به نتایج پژوهش حاضر نیاز است که متخصصان و مدیران فعال در حوزه‌ی سلامت روان در جهت کاهش مشکلات روان‌شناختی و ارتقای سطح بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان، بر نقش تعارض نقش جنسیتی در کنار دیگر متغیرهای موثر بر سلامت جسمی و روانی بیشتر توجه کنند.

طیف وسیعی از متغیرهای بالینی مانند اضطراب، افسردگی، مشکلات فردی مانند خشونت خانوادگی، حساسیت بین فردی، نداشتن راحتی اجتماعی، خصومت و جستجوی کمک روانی رابطه دارد و سطوح بالاتر تعارض نقش جنسیتی در مردان با افزایش خشم، گزارش افزایش مصرف الکل، افزایش علائم افسردگی و اضطراب و کاهش رفتارهای سالم، رابطه‌ی معنی‌داری دارد. بهزیستی روانی شامل احساس مثبت و احساس رضایت‌مندی عمومی از زندگی که شامل خود و دیگران در حوزه‌های مختلف خانواده، شغل و نظیر این موارد است، می‌باشد. بنابراین افراد با احساس بهزیستی بالا به طور عمده هیجان‌ات مثبت بیشتری را تجربه و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند. از سویی، افراد با بهزیستی پایین حوادث و موقعیت‌های زندگی‌شان را نامطلوب ارزیابی و بیشتر هیجان‌ات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند. نتایج این تحقیق اثر موفقیت، قدرت، و رقابت بر سه مولفه‌ی پذیرش خود، خودمختاری و تسلط بر محیط را معنی‌دار نشان داد. این نتیجه نیز با یافته‌های قبلی (۴،۱۰،۲۸،۳۱) هم‌خوانی دارد. وسواس فکری با موفقیت، قدرت و رقابت، ارتباط منفی دارد و موفقیت، قدرت و رقابت به طور مثبت عزت نفس بالا را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین در این مطالعه، مولفه‌ی هیجان‌پذیری محدود دو مولفه‌ی روابط مثبت و رشد فردی را پیش‌بینی نمود. این نتیجه با یافته‌های شوارتز، والدو و دنیل^۱ (۱۰)، هیز و ماهلیک^۲ (۱۳)، لی (۲۵) و یاماوکا (۲۶) هم‌خوانی دارد. هیجان‌پذیری محدود یعنی عدم ابراز آزادانه و راحت احساسات و آسیب‌پذیر بودن در ارتباط با خود و دیگران، با فقدان ارتباط صمیمانه، مشکلات زناشویی و نبود یا قطع ارتباط با جامعه مرتبط است، بنابراین می‌تواند روابط اجتماعی را محدود و یا دچار آسیب کند و خودشکوفایی و زمینه‌های آن را تضعیف نماید و هر چه گستره‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی کمتر باشد، بهزیستی روان‌شناختی کاهش می‌یابد.

در نهایت، نتایج این تحقیق اثر تعارض کار و روابط خانوادگی بر سه مولفه‌ی روابط مثبت، تسلط بر محیط و زندگی هدف‌مند را معنی‌دار نشان داد. این نتیجه هم با نتایج تحقیقات قبلی (۴،۷،۱۰،۱۳،۱۵،۲۶) هم‌خوانی

¹Schwartz, Waldo and Daniel

²Hayes and Mahalik

References

1. O'Neil JM. Males' sex-role conflict, sexism, and masculinity: Implications for men, women, and the counseling psychologist. *Couns Psychol* 1981; 9(2): 61-80.
2. Kate EN, Beverly JV, Angela MW. Factor structure of the gender role conflict scale in African and European American Men. *Psychol Men Mascul* 2011; 12(2): 128-43.
3. Garnets L, Pleck J. Sex role identity, androgyny, and sex role transcendence: A sex role strain analysis. *Psychol Women Q* 1979; 3: 270-83.

4. O'Neil JM, Good GE, Holmes S. Fifteen years of theory and research on men's gender role conflict: New paradigms for empirical research. In: Levant R, Pollack W. (editors). *A new psychology of men*. New York, NY: Basic Books; 1995: 164-206.
5. Pleck JH. *The myth of masculinity*. Cambridge, MA: MIT Press; 1981.
6. O'Neil JM, Helms B, Gable R, David L, Wrightsman L. Gender-role conflict scale: College men's fear of femininity. *Sex Roles* 1986; 14(5-6): 335-50.
7. Zamarripa MX, Wampold BE, Gregory E. Male gender role conflict, depression and anxiety: Clarification and generalizability to woman. *J Couns Psychol* 2003; 50(3): 333-8.
8. Goodwin ME. Gender role conflict, depression, and personality effect on help seeking behaviors, attitudes, and academic performance. *Graduate Theses and Dissertations*, 2008; Paper 10645, 30-32.
9. Szymanski DM, Carr ER, Moffitt LB. Sexual objectification of women: Clinical implications and training considerations. *J Couns Psychol* 2011; 39(1): 107-26.
10. Schwartz JP, Waldo M, Daniel D. Gender-role conflict and self-esteem: Factors associated with partner abuse in court-referred men. *Psychol Men Mascul* 2005; 6(2): 109-13.
11. Good GE, Robertson JM, O'Neil JM, Fitzgerald LF, DeBord KA, Stevens MA, et al. Male gender role conflict: Psychometric properties and relations to distress. *J Couns Psychol* 1995; 42(1): 3-10.
12. Robinson DT, Schwartz JP. Relationship between gender role conflict and attitudes toward women and African Americans. *Psychol Men Mascul* 2004; 5(1): 65-71.
13. Hayes JA, Mahalik JR. Gender Role Conflict and psychological distress in male counseling center clients. *Psychol Men Mascul* 2000; 1(2): 116-25.
14. Serna GS. *The confounding role of personality in the relation to gender role conflict and substance abuse and sexual aggression against women*. Ph.D. Dissertation. University of Akron, 2003. *Dissert Abs Int* 2004; 65: 1064-89.
15. Blazina C, Marks I. College men's affective reactions to individual therapy psycho education workshops, and men's support group brochures: The influence of gender role conflict and power dynamics upon help seeking attitudes. *Psychotherapy* 2001; 38(3): 297-305.
16. Korcuska JS, Thombs DL. Gender role conflict and sex-specific drinking norms: Relationship to alcohol use in undergraduate women and men. *J Coll Student Dev* 2003; 44(2): 204-16.
17. Rochlen AB, Blazina C, Raghunathan R. Gender role conflict, attitudes toward career counseling, career decision making, and perceptions of career advertising brochures. *Psychol Men Mascul* 2002; 3(2): 127-37.
18. Shepard DS. A negative state of mind: Patterns of depressive symptoms among men with high gender role conflict. *Psychol Men Mascul* 2002; 3(1): 3-8.
19. Pederson EL, Vogel DL. Male gender role conflict and willingness to seek counseling: Testing a mediation model on college-aged men. *J Couns Psychol* 2007; 54(4): 373-84.
20. O'Neil JM. Men's gender conflict: 25 year research summary [Special issue]. *J Couns Psychol* 2008; 36: 358-476.
21. Steinfeldt JA, Steinfeldt MC, England B, Speight QL. Gender role conflict and stigma toward help-seeking among college football players. *Psychol Men Mascul* 2009; 10(4): 261-72.
22. Ryff CD. Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *J Pers Soc Psychol* 1989; 57(6): 1069-81.
23. Myers DG, Diener E. Who is happy? *Psychol Sci* 1995; 6(1): 10-19.
24. Irina P, Igal S, Ratner MA. hilarity on surfaces: Modeling and behavior. *Chemistry Today: Chimica Oggi* 2007; 25(5): 17-20.
25. Sherry JL. The effects of violent video games on aggression: A meta analysis. *Hum Commun Res* 2001; 27: 409-43.
26. Yamaoka K. Social capital and health and well-being in East Asia: A population-based study. *J Soc Sci Med* 2008; 66(4): 885-99.
27. Sarracino F. Social capital and subjective well-being trends: Comparing 11 western European countries. *J Soc Eco* 2010; 39(4): 482-517.
28. Wood AM, Joseph S, Maltby J. Gratitude predicts psychological well-being above the Big Five facets. *Pers Individ Diff* 2009; 46(4): 443-47.
29. Wester SR, Vogel DL, O'Neil JM, Danforth L. Development and evaluation of the gender role conflict scale short form (GRCS-SF). *Psychol Men Mascul* 2012; 13(2): 199-210.
30. Bayani A, Mohammad Koochekya A, Bayani A. [Reliability and validity of Ryff's psychological well-being scales]. *Iranian journal of psychiatry and clinical psychology* 2008; 14(2): 146-51. (Persian)
31. Norwalk KE, Vandiver BJ, White AM, Englar-Carlson M. Factor structure of the gender role conflict scale in African American and European American men. *Psychol Men Mascul* 2011; 12(2): 128-43.